

نقش قوه سامعه در آموزش قرآن کریم

دکتر ابوالفضل خوش منش

چکیده

در بسیاری از آیات قرآن «سمع» بر «بصر» مقدم شده و در پاره‌ای از آیات و روایات سمع به معنای فهم آمده است. این نکات حاکی از برتری سمع بر بصر و نقش ممتاز آن در فهم و یادگیری است. یادگیری قرآن به طریق سمعی از دیرباز در میان صحابه و طبقات بعدی تاکنون کمابیش رواج دارد. برخی از مهمترین امتیازات این روش بر روخوانی فراگیری آن در عموم مردم اعم از کودک و جوان و پیر، و باسواد و بی سواد و نیز سهولت یادگیری و پایداری آن است. نتایج پژوهش‌ها نیز همین نکات را تأیید می‌کند. کلید واژه‌ها: قوه سامعه، سمع و بصر، آموزش قرآن، حفظ قرآن.

۱. مقدمه

قرآن کریم از آغاز نزول خود، قلوب خیل مشتاقان را به سوی فراگیری خود کشیده است و تعلیم حکیمانانه پیامبر اکرم (ص) و معلم بزرگ قرآن، مکتب استوار آموزش قرآن کریم را بنیاد نهاده است. مسلمانان، یکی پس از دیگری قرآن را فرا گرفته و به دیگران آموخته‌اند. تعلیم و ترویج قرآن کریم از همان آغاز و در زمانی کوتاه، شورآفرینی و آثار شگرف خود را نشان داده است و مسلمانان در قرائت و فراگیری معارف قرآنی، خود را قرین توفیق می‌یافته‌اند. آموزش رسول گرامی

اسلام (ص) دارای ویژگی‌ها و ارکانی بوده که اگر در زمانهای دیگر نیز فراهم آید، همان آثار گذشته را خواهد داشت. هر زمانی قرائت و تعلیم قرآن کریم فاقد شورآفرینی و سهولت و اثربخشی اولیه بود، باید دانست که مانع و خللی در راه فراگیری حفظ قرآن بروز کرده است و آن مانع را بر اثر مذاقه فراوان باید جست و برطرف کرد.

در کشور جمهوری اسلامی ایران در طول بیست سال گذشته بی‌وقفه با تهیه و عرضه انواع و اقسام شیوه‌نامه‌های آموزشی قرآن کریم در سطوح و مراکز گوناگون رسمی و غیررسمی مواجه بوده‌ایم. این نوآوریها که اغلب دلسوزانه و مخلصانه است، هم‌اکنون نیز ادامه دارد. تعیین میزان اقترا این شیوه‌ها به موفقیت و مطلوبیت ره‌آورد آنها، نیازمند تحقیق جداگانه‌ای است. جای تحقیقی کارشناسانه از این دست خالی است؛ لکن نظری اجمالی به آنچه در محافل تعلیم و ترویج رسمی و غیر رسمی قرآن کریم می‌گذرد، وضعیتی را نشان می‌دهد که با کمال مطلوب فاصله‌ای فراوان دارد.

این در حالی است که با رفتن به سراغ مبدأ فراگیری قرآن کریم در حال حاضر و مقایسه آن با شیوه تعلیم قرآن کریم در زمان پیامبر اکرم (ص)، تفاوتی آشکار و تعیین‌کننده می‌یابیم که عبارت از اهمیت دادن زمان آن حضرت به نقش قوه شنوایی یا «سمع» و بی‌توجهی به آن در حال حاضر است. چیزی که به کارگیری صحیح آن مورد تأکید آیات و روایات و دانش بشری نوین است؛ ولی متأسفانه در حال حاضر از جایگاه شایسته و واقعی خود به کناری نهاده شده است. در این تحقیق کوشیده شده نقش و اهمیت «سمع» در حد مجال و از دیدگاه سه منبع مذکور مورد بررسی قرار گیرد.

۲. جایگاه قوه سامعه در آیات قرآن کریم

در آیات قرآن کریم، به صراحت در مورد به کارگیری «سمع» در امور آموزشی سخن گفته نمی‌شود؛ اما نحوه تعبیر قرآن کریم در مورد مقوله «سمع» به صورتی است که ما

را متوجه اهمیت و جایگاه این حس در ادراک و فراگیری می‌کند. یکی از شیوه‌های بیان قرآن کریم در مورد «سمع» تقدیم آن بر «بصر» در مواضع گوناگون است؛ مانند: «قل هو الذي أنشأكم وجعل لكم السمع والابصار والافئدة قليلا ما تشكرون [ملک/۲۳]؛ بگو: او کسی است که شما را پدید آورد و گوش و چشم و دل برایتان قرار داد. اندکی سپاس می‌گزارید».

۳. اهمیت سمع از دیدگاه حدیث

اهمیت سمع در احادیث نیز مورد تأکید قرار گرفته است. امام رضا(ع) در روایتی به صراحت، گوش را دروازه قلب می‌خواند؛ آنجا که می‌فرماید:

... فمَلَكُ الجسدِ القلبُ وحصنُ الجسدِ وحرزُهُ الأذنان. لا يدخلان على الملك الا ما يوافقهما لأنهما لا يقدران ان يدخلا شيئاً حتى يوحى الملكُ اليها فاذا أوحى الملك اليها لترك الملك منصتاً له حتى يسمع فيه فيجيبه بما يريد فيترجم عنه اللسان بادوات كثيرة؛ فرمانروایی بدن انسان، قلب است و حزر و حصار آن گوشه‌هاست. این دو بر پادشاه چیزی را وارد نمی‌کنند که با آن موافق نباشد؛ زیرا پیش از اشاره پادشاه به آن دو نمی‌توانند، چیزی را وارد سازند و اگر پادشاه به آن دو اشاره کند، پادشاه خود سراپا گوش خواهد شد تا به آنچه مایل است، پاسخ دهد و زبان نیز با ابزارهای فراوانی آن را تعبیر و تفسیر می‌کند [۱].

در حدیثی از حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام، نیز چنین نقل شده است:

رأس العلم التواضع وبصره البرائة من الحسد وسمعه الفهم ولسانه الصدق وقلبه حسن النية، وعقله معرفة اسباب الأمور [۲].

در این بخش از حدیث که در اینجا نقل شده است، ضمن تشبیه ارکان مختلف علم به هر یک از اعضای بدن، «فهم» به مثابه «گوش علم» دانسته شده است.

۴. حکمت تقدیم «سمع» بر «بصر» در قرآن کریم

بدون شک فهم بشری قادر به احاطه کامل بر حکمتهای آیات و عبارات قرآن کریم نیست؛ لکن از آنجا که همه ما به تدبیر در قرآن کریم امر شده‌ایم، باید در حد توان و ظرفیت خویش در حکمت آیات قرآنی اندیشه کنیم. تدبیر در آیات مختلفی که در آنها الفاظ و مفاهیم سمع و بصر آمده، این نکات را به دست می‌دهد:

الف - «سمع» دروازه قلب است. حسی که رابطه مستقیم با قلب و روح انسانی دارد، حس شنوایی است [۳]. دروازه بودن گوش برای قلب، امری است که در روایت، چنانکه خواهیم دید، مورد تصریح قرار گرفته است. رابطه خاص این دو مقوله از آیات قرآنی نیز به نحو بارزی قابل استظهار است. این رابطه حتی در آیاتی که «قلب»، «سمع» و «بصر» در آنها کنار یکدیگر و با هم آمده، محفوظ و ملحوظ است؛ چنانکه می‌فرماید:

«ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصارهم غشاوة [بقره/۷]؛ خدا بر دلها و گوششان مهر نهاد و بر چشمانشان پرده‌ای است.»

«أفرأیت من اتخذ الله هویه و أضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشاوة، فمن یهدیه من بعد الله أفلا تذكرون [جاثیه/۲۳]؛ آیا او را که خواهش خود را خدای خویش ساخت و خدا او را از روی آگاهی گمراه کرد و بر گوش و قلبش مهر نهاد و بر چشمش پرده زد، دیدی؟ چه کسی پس از خدا او را راهنمایی خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیرید؟»

در آیه زیر نیز ارتباط قلب و سمع به صورتی زیبا و با رعایت این ظرافت بیان شده است. این آیه از قلب شروع می‌شود و به «سمع» منتهی می‌گردد:

«أولم یهد للذین یرثون الأرض من بعد أهلها أن لو نشاء أصبناهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم فهم لا یسمعون [اعراف/۱۰۰]؛ آیا برای آنان که زمین را پس از ساکنانش به ارث می‌برند، آشکار نشد که اگر می‌خواستیم به سبب گناهانشان به عذاب گرفتارشان می‌کردیم و بر دلهایشان مهر می‌زدیم؛ چنانکه که نشنوند؟»

ارتباط یادشده در آیه زیر نیز به نحوی قابل مشاهده است.

«ان فی ذلک لذکری لمن کان له قلبٌ أو ألقى السمع و هو شهید» [ق/۳۷]؛ به راستی در آن پندی است برای کسانی که دلی دارند یا در حالی که شاهدند، گوش فرا می‌دهند». در بسیاری از آیات نام «سمیع» بر دیگر نامهای الهی (علیم، بصیر و فریب) مقدم آمده‌اند.

۵. به کارگیری گوش و زبان در فراگیری قرآن در میان اصحاب

از عبدالله مسعود روایت شده است که گفت: «بر پیامبر هفتاد سوره از قرآن را خواندم و قرائت آنها را از دهان او فرا گرفتم؛ در حالی که زید "ذو ذؤبتین" (دارای دو دسته موی بافته بر روی سر؛ یعنی بچه) بود و با کودکان بازی می‌کرد و بقیه قرآن را بر بهترین این امت و عادلترین آنان از لحاظ قضاوت پس از پیامبر امت، یعنی علی بن ابی طالب قرائت کردم» [۴].

شیوه «سمعی» تعلیم قرآن کریم، یکی از ویژگی‌های تعلیم نبوی بوده و این موضوع در طول قرن‌ها ادامه یافته است. با توجه به آنچه درباره نحوه جمع قرآن و میزان آشنایی مردم با هنر خواندن و نوشتن گذشت، روشن می‌گردد، اهمیتی که به این جنبه داده می‌شده، در محرومیت مردم از سواد و نبود نوشت افزار ریشه نداشته است؛ همچنانکه تا قرن‌ها بعد و تا همین ازمه اخیر، فراوانی لازم نوشت افزار در بسیاری از جاها، نقش قوه سامعه را از بین نبرده است. هر جا نیز این نقش و اهمیت، مورد کم توجهی قرار گرفته، دیر یا زود آثار منفی به دنبال داشته است.

گفته می‌شود، یکی از دلایل محرومیت دوباره اندلس (اسپانیایی فعلی) از اسلام، آن بود که اعراب فاتح به منظور تسریع قرآن آموزی و نیز اجبار سازی آن، برای نخستین بار از شیوه روخوانی استفاده کردند؛ یعنی شیوه بصری را به جای روش سمعی تعلیم قرآن معمول کردند. در نتیجه، مسلمانان نوآموز آن سامان، قرآن را زمانی فرا می‌گرفتند که اهمیت لازم را نیافته بودند و روش کارا و زنده تعلیم قرآن، جای خود را به شیوه ای ناکارآمد داد [۵].

دکتر محمد سالم محسین، محقق پرکار عرب، کتاب محققانه‌ای به نام «معجم

حفاظ القرآن عَبْرَ التاريخ» تدوین کرده و در آن، شرح حال بیش از چهارصد حافظ قرآن را آورده است. بیشتر این گروه تا قرن پنجم و شمار کمتری تا قرن نهم زیسته‌اند. تمامی این گروه در قرائت سماعی از استاد خود با هم مشترکند و قرآن را از این طریق فرا گرفته‌اند. دکتر سالم محسین، استادان قرائت و سلسله سند قرائت هر یک را ذکر کرده است. بررسی زندگی تک تک این حفاظ، نشان می‌دهد که اخذ سماعی قرائت و عرضه آن، همواره وجود داشته و وفور وسایل کتابت در قرون متمادی، به جایگاه اصیل آن، لطمه‌ای وارد نساخته است. همچنین آنچه از مطالعه این کتاب به دست می‌آید، این است که این گروه در اصل قاریان و مقریان قرآن نامیده می‌شدند و اطلاق «حافظ» بر آنان، نسبت به مصطلحات قبلی جدیدتر است [۶].

«غانم قدوری حمد» نیز در کتاب «رسم المصحف» شیوه قراگیری اصحاب پیامبر اسلام را نقل دهان به دهان قرآن کریم می‌شمارد. این مطلب در کتاب «تاریخ القرآن و غرائب رسمه و حکمه» نیز به چشم می‌خورد [۸]. در واقع نه فقط عادت اهل قرآن در طول تاریخ بر اخذ سماعی قرآن کریم استوار بوده است، بلکه قراگیری صحیح قرآن راهی جز این ندارد.

۶. اهمیت و جایگاه سمع در امر آموزش از دیدگاه دانش بشری

دانش بشری نیز به فراخور پیشرفت خود توانسته است، به برخی از رمزها و رازهای شنوایی و جایگاه بلند آن در آموزش دست یابد. محمد عثمان نجاتی در کتاب خود با عنوان «علم النفس فی حیاتنا الیومیة» درباره علل تقدیم سمع بر بصر در آیات قرآن کریم، به ذکر مواردی از دیدگاه دانش بشری پرداخته است. وی می‌گوید:

۱. گوش در ادراک حسی و یادگیری و تحصیل علوم از چشم مهمتر است. زیرا یادگیری زبان و تحصیل علوم در صورت از دست دادن بینایی برای انسان امکان‌پذیر است؛ ولی اگر شنوایی از دست برود، یادگیری زبان و تحصیل دانش مشکل خواهد بود. یکی از دلایلی که نشان دهنده اهمیت تأثیر گوش در ادراک و آموزش است [۸]، این است که قرآن، آن را به تنهایی کنار عقل ذکر کرده است تا بفهماند، میان

گوش و عقل رابطه محکمی وجود دارد:

«و قالوا لو كنا نسمع أو نعقل كنا في أصحاب السعير [ملک/ ۱۰]؛ و گفتند: اگر گوش فرا می دادیم یا اندیشه می کردیم، در میان آتشیان نبودیم»

همچنین در بسیاری از آیات قرآن «سمع» به معنای فهم و تدبر و تعقل به کار رفته است؛ نظیر:

«و آنا لما سمعنا الهدى آمنا به [جن/ ۱۳]؛ و ما چون هدایت را دریافتیم، به آن گرویدیم».

«و نطبع على قلوبهم فهم لا يسمعون [اعراف/ ۱۰۰]؛ و بر دلهایشان مهر می نهیم؛ چنان که نفهمند».

۲. حس شنوایی به طور مستقیم و بدون هیچ فاصله‌ای پس از تولد به کار می افتد؛ زیرا نوزاد، به محض تولد می تواند صداها را بشنود؛ حال آنکه دیدن اشیا برای او به طور واضح پس از گذشت مدتی ممکن می شود.

۲. حس شنوایی وظیفه خود را همیشه و بدون توقف انجام می دهد؛ در حالی که حس بینایی، گاهی از انجام وظیفه باز می ایستد؛ مثل وقتی که انسان می خوابد؛ اما صدایی شدید می تواند، او را از خواب بیدار کند. به همین دلیل است که خداوند، در داستان اصحاب کهف ذکر کرده است که بر گوشهای آنان مهر زدیم تا در خواب عمیق فرو روند و هیچ صدایی نتواند بیدارشان کند.

فضربنا على آذانهم في الكهف سنين عدداً [کهف/ ۱۱].

۴. حس شنوایی (گوش) همه وقت و همه جا چه در روشنائی و چه در تاریکی می شنود؛ اما حس بینایی (چشم) تنها در روشنائی می بیند [۹].

در این جا ذکر یک نکته بی مناسبت نیست و آن، این که قرآن گوش را به صورت مفرد ذکر می کند؛ ولی چشم را در اکثر آیات به صورت صیغه جمع (ابصار) می آورد. این خود یکی از نشانه‌های اعجاز در روش قرآن است.

حس سامعه صداهایی را که از تمام جهات می رسد، دریافت می کند؛ در حالی که چشم فقط وقتی می تواند ببیند که انسان خواسته باشد و چشم را به طرف چیزی که

می‌خواهد به آن بنگرد، بگرداند [۱۰] و اگر در مکانی، افرادی جمع باشند و صدایی به وجود آید، همگی تقریباً همان صداها را به طور یکسان می‌شنوند. در صورتی که همین عده یک چیز را از زوایای مختلف می‌توانند ببینند؛ به همین دلیل دیدنشان نسبت به آن چیز به طور یکسان و شبیه هم نخواهد بود. نیز ممکن است، آنان در همان لحظه در جهتی که به آن می‌نگرند، اشیای مختلفی را ببینند. علاوه بر این، هرگاه صدایی که به طور مستقیم از جایی به سمت ما می‌آید، امواج صوتی آن در یک زمان به هر دو گوش می‌رسد و شدت تاثیر بر پرده هر دو گوش یکسان است؛ اما اگر به چیزی که در برابر ما قرار دارد بنگریم، صورتی که از آن بر شبکه چشم راست نقش می‌بندد با آنچه که در شبکه چشم چپ نقش می‌بندد، فرق دارد؛ چون چشم راست اشیا را از طرف راستشان می‌بیند؛ حال آنکه چشم چپ آنها را از طرف چپشان می‌نگرد [۱۱].

تحقیقات جدید فیزیولوژیک نیز ثابت کرده است که نوزاد در برابر صداهای بلند عکس‌العمل نشان می‌دهد؛ ولی در مقابل صداهای کوتاه و ضعیف بی‌تفاوت است. این تحقیقات همچنان روشن کرده است که تا ماه ششم ولادت شکل اشیا در چشم نوزاد به صورت واضح ظاهر نمی‌شود؛ زیرا رشد ساختمان شبکه چشم، تنها در پایان شش ماهه اول تولد کامل می‌شود.

مصطفی محمود، نویسنده مصری نیز درباره دقیق‌تر و پیچیده‌تر بودن دستگاه شنوایی نسبت به دستگاه بینایی می‌نویسد: «دستگاه شنوایی می‌تواند، مفاهیم مجرد را نظیر موسیقی درک و در حالت تداخل نغمه‌های گوناگون در یکدیگر، هر یک از آنها را به تنهایی و جدا از دیگری تمیز دهد. همانگونه که مادر می‌تواند در یک لحظه صدای گریه فرزندش را میان انبوهی کودک دیگر تشخیص دهد [۱۲].»

ویژگی مهم دیگری که همچنان گوش را در مرحله برتر قرار می‌دهد، قابلیت کارآیی این دستگاه عجیب، حتی در زمانی است که انسان در خواب به سر می‌برد. پژوهشگران دانشگاه «جان هاپکتز» در نشست سالیانه انجمن عصب‌شناسی آمریکا در «مینیاپولیس» اعلام کردند که دو ناحیه را در مغز شناسایی کرده‌اند که به پردازش اصوات در موقع خواب می‌پردازد. ناحیه‌ای در جلوی مغز قادر است، مشخص کند

که آیا یک صدا نمایانگر بروز یک مشکل است یا نه. محقق این طرح می‌گوید: «مغز، موقعی که ما خوابیده‌ایم، هوشیار است. وی توانسته‌است، ناحیه هوشیار را در مغز مشخص کند. این ناحیه بر اثر صداهایی که موقع انجام آزمایشها به گوش می‌رسد، تحریک می‌شود. از این دو ناحیه یک ناحیه در بالای گوش و ناحیه دیگر در بالای چشم قرار گرفته است.

ناحیه جلوی مغز با ناحیه استدلال مغز، در ارتباط است. این قسمت از مغز در موقع خواب اصوات را می‌شنود و صداها را تصفیه می‌کند و سر و صدای بی‌خطر را مانند صدای هواپیما از صدای خطرناک مثل شکستن شیشه تشخیص می‌دهد. این تحقیق همچنین ثابت می‌کند، موقع بیداری تنها ناحیه اطراف گوش نسبت به صداها هوشیار است؛ اما موقع خواب قسمت دیگر نیز وظیفه شنیدن را به عهده می‌گیرد [۱۳].

۷. نقش قوه سامعه در حافظه

در حافظه انسان نیز نقش قوه سامعه بالا و ممتاز است؛ با این توضیح که به طور کلی حفظ هرگونه معلومات در حافظ طی سه مرحله انجام می‌گیرد: ۱. رمزگردانی؛ ۲. اندوزش؛ ۳. بازیابی.

رمزگردانی تنها به معنای به حافظه سپردن اطلاعات نیست؛ بلکه عبارت از اندوختن آنها به شکل معین یا به صورت رمزی معین در حافظه است. پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان اطلاعات را به یکی از این صورت‌ها در حافظه کوتاه مدت رمزگردانی کرد: یا دیداری است، از قبیل تصویر ذهنی حروف، کلمات و ارقام یا صوتی است، مانند صدای نامهای موارد مزبور و یا بخشی از آن مبتنی بر تداعی معانی میان موارد مذکور است؛ با وجود این وقتی سعی می‌کنیم اطلاعات را از راه مرور ذهنی (rehearsal) - یعنی تکرار پیاپی آنها در ذهن - فعال نگاه داریم، به نظر می‌رسد، رمز صوتی را ترجیح می‌دهیم. حتی اگر برای مواد کلامی از رمز دیداری نیز استفاده کنیم، این رمز به سرعت محو می‌شود و رمز صوتی جای آن را می‌گیرد [۱۴].

۸. اهمیت به کارگیری قوه سامعه در تعلیم و تعلم قرآن کریم

پس از آن چه درباره جایگاه خاص قوه سامعه و اهمیت آن در امر آموزش و فراگیری معلومات و ارتباط مستقیم آن با قلب بیان شد، نوبت توجه به آن در بعد عمل، در امر تعلیم و تعلم قرآن کریم می‌رسد.

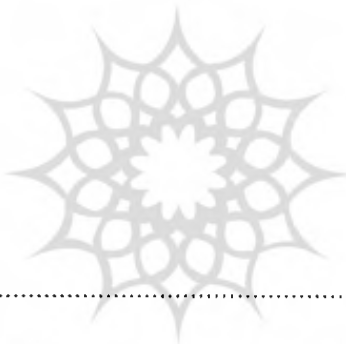
بنا کردن بنیان پر اهمیت آموزش قرآن کریم بر شنوایی، آثار و برکات فراوانی دارد. یکی از این موارد زیر نفوذ گرفتن مستقیم قلب، مرکز فرماندهی وجود انسانی و به دست دادن آموزشی زنده و پویا است. دستاورد دیگر رخت پر بستن هراس‌هایی است که از غلط خواندن قرآن دامنگیر خیل مشتاق قرآن آموز شده و می‌شود و حتی خیل عظیمی از ایشان را از محافل و مجالس تعلیم و ترویج قرآن طرد می‌کند.

الفای آیات قرآن کریم به قرآن آموز باید به صورت سمعی باشد و این الفا چندان تکرار گردد که آیات قرآن کریم بر دل قرآن آموز نقش بندد و تا زمان عدم تحقق کامل این حالت، بصر نباید استعمال و کاربرد بیابد.

در چنین روشی با سواد و بی سواد، کوچک و بزرگ، زن و مرد، همه و همه یکسان و در یک صف می‌توانند به فراگیری آیات قرآن بپردازند؛ آیات آن را زمزمه کنند و با انواع مشقتها در تبدیل علائم نوشتاری رسم الخطهای زبان حاضر به علائم صوتی - که جز یک روخوانی کم‌اثر و بریده از روح و قلب را به دست می‌دهد - مواجه نباشند. شاید به این نکته نیز کمتر توجه کرده‌ایم که به کارگیری روخوانی قرآن کریم و وا داشتن قرآن آموز به کلنجار رفتن در ابتدای کار با انواع و اقسام علائم و حروف و زیر و زبر، به غلط خواندن وی منجر می‌شود و تصحیح قرائت وی توسط مربی، معلم، داور و جز آنان، آثار بسیار سوئی را در اعماق روح و جان وی بر جا خواهد گذاشت و در بلند مدت، وی را به سمت لکنت زبان و افسردگی [۱۵] و فرار از قرآن و اسلام سوق خواهد داد.

همچنان که اشاره شد، به کارگیری قوه سامعه و بلکه اولویت دادن به آن، امری بوده که در طول قرن‌ها در سراسر عالم پهناور اسلام مورد عمل بوده و هم اکنون نیز در بسیاری از مناطق نظیر کشورهای آفریقایی که قرآن کریم به صورت سنتی

تدریس می‌شود، به کار گرفته می‌شود. در کشور عزیز ما نیز تا چند دهه پیش، یعنی هنگام رونق مکتبخانه‌های سنتی این روش وجود داشت و مکتبخانه‌ها توانستند، به نحوی بسیار مطلوب با کمترین امکانات میراث غنی و عظیم فرهنگی مانند قرآن کریم و دیوان حافظ و گلستان سعدی و جز آن را به کودکان این مرز و بوم منتقل و بدین وسیله از آنها پاسداری کنند [۱۶]. بسیاری از پیران امروز همان کودکان دیروز و گواه عملکرد و میزان موفقیت این مکتبخانه‌ها اینند؛ مراکزی که با ورود نظام جدید آموزشی به همراه بسیاری از گنجینه‌های عظیم ملی و فرهنگی دیگر از میان رفت.



منابع

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ق، ج ۶۲، ص ۳۰۹.
۲. محمدرضا حکیمی، الحیات، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ ش، ج ۲، ص ۳۳۵، به نقل از بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۶.
۳. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن مجید، عبدالله جوادی آملی به مرکز نشر فرهنگی رجاء، ج ۱۴، ۱۳۶۶ ش، ج ۴، ص ۶۴.
۴. مجلسی، پیشین، ج ۸۹، ص ۴۹.
۵. محمدعلی لسانی فشارکی، طرح جامع آموزش زبان قرآن کریم، به کوشش مهدی غفاری، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۳.
۶. ر.ک: محمد سالم محسین، معجم حفاظ القرآن عبر التاريخ، اج، بیروت، دارالجمیل، ۱۴۱۲ق.
۷. محمد طاهرین عبدالقادر کردی مکی، تاریخ القرآن و غرائب رسمه و حکمه، مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، قاهره، ج ۲، ۱۳۷۲ق، ص ۱۱۲ و ۱۷۵.
۸. برای بررسی بیشتر کارکردهای زبان و نقش آن در تفکر رک: علی اکبر شعاری نژاد، روان‌شناسی رشد، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۵۹ و اتوکلاين برگ، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی

- محمد کاردان، شرکت سهامی اندیشه، تهران، ۱۳۴۲ش، ج ۱، ص ۴۷، لوسمنوویچ ویگوتسکی، اندیشه و زبان، ترجمه اصبوری، نشر نوین، تهران، ج ۱، ۱۳۶۱ش.
۹. محمد متوئی شعراوی، معجزة القرآن، بیروت، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۹۵-۹۸.
۱۰. مصطفی محمود، القرآن محاولة لفهم عصري، مصطفی محمود، دارالمعارف، قاهره، ۱۳۹۵ش، ص ۲۵۱. به نقل از القرآن و الاعجاز العلمي، ابراهیم محمد اسماعیل.
۱۱. محمد عثمان نجاتی، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه عباس عرب، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴ش، ص ۸۹.
۱۲. محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۵۵. به نقل از القرآن محاولة لفهم عصري، ص ۲۵۱.
۱۳. روزنامه اطلاعات، ۳۰ تیر ۱۳۷۷ش.
۱۴. ریتال، اتکینسون، ریچاردس، اتکینسون، ارنست ر. هیلگارد، زمینه روان‌شناسی، ترجمه گروه مترجمان، زیر نظر و به ویراستاری دکتر محمدتقی براهنی، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۴۰۳ تا ۴۰۵.
۱۵. درباره ارتباط تصحیح گفتاری با مسائل عاطفی و لکننت زبان و... رک: ایلین میویس هنرینگتون، روان‌شناسی کودک از دیدگاه معاصر، ترجمه جواد ظهوریان و گروه مترجمان، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۳ش، ص ۲۶۰ و جمعی از مؤلفان، روان‌شناسی رشد، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۰، ص ۲۶۰.
۱۶. درباره این مکتبخانه‌ها مراجعه کنید به: مجله «سلام بچه‌ها»، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سال پنجم، ش ۷، مهرماه ۱۳۷۳ش، ص ۱۵۱۰ و علی شریعتی، «مکتب، نظام تعلیم و تربیت اسلامی»، ویژه نامه «مکتبخانه» مجله رشد معلم، سال سوم، ش ۵، بهمن ۱۳۶۳، و شمس‌الدین رحمانی، فرهنگ و زبان، انتشارات برگ، تهران، ۱۳۶۸ش، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی